

بسم الله الرحمن الرحيم

جمهوری اسلامی ایران
شورای عالی انقلاب فرهنگی

متن پیشنهادی

سیاست‌های هم افزایی اجتماعی در تحول راهبردی نظام تربیت

بر اساس سند پیشنهادی "تربیت برای تمدن سازی نوین اسلامی - راهبرد ملی و تمدنی تحول تربیت
عمومی و رسمی"

ویرایش ۲- ۱۴۰۲ / ۱ / ۲۶

هر چند تحول تبیین شده در سند پیشنهادی "تربیت برای تمدن سازی نوین اسلامی - راهبرد ملی و تمدنی تحول تربیت عمومی و رسمی"، یک تحول نهادی است که در بستر گفتمان اجتماعی و کنش‌گری جمعی جامعه فعالان تعلیم و تربیت شکل می‌گیرد، اما تعریف و تصویب قوانین موید این تحول، می‌تواند حمایت حاکمیتی را نیز از این حرکت نهادی تحول، ایجاد کرده، و تحقق آن را تسریع کند.

بخصوص به یک قانون کوتاه نیاز است، که بندهای راهبردی و موثر تحول را در بر داشته باشد؛ به صورتی که نقشهای محوری و گلوگاهی در شکل‌گیری جریان تحول، در آن قانون تبیین شده، و باعث هم‌افزایی بازیگران متنوع تربیت شود. در این صورت مورد انتظار است که تحول با شکل زنجیروار علت و معلولی در فضای اجتماعی و نهادی رخ دهد.

بر همین اساس اگر به دنبال طراحی، تدوین و تنظیم سیاست‌های گلوگاهی در عرصه تحول نهادی و راهبردی تربیت، در قالب یک متن قانونی هستیم، بندهای زیر می‌تواند شالوده سیاستهای مذکور را تشکیل دهد.

ترجیح آن است که این سیاستها در تعامل بین شورای عالی انقلاب فرهنگی، ستاد تحول دولت، شورای عالی آموزش و پرورش، وزارت آموزش و پرورش و بخصوص سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی، و ذینفعان جامعه تربیت، اعم از فعالان، صاحبانظران و مدارس پیشرو، بررسی، تکمیل و تدقیق شده، و توسط شورای عالی انقلاب فرهنگی به تصویب برسد.

این سیاستها پیشنهادی در دو سطح راهبردی و میسوپ تنظیم شده است. در سطح راهبردی، ۷ ماده اصلی و گلوگاهی در نظر گرفته شده است، که تقریباً می‌تواند حدود ۸۰٪ اثر بخشی مورد انتظار از سیاستها را ایجاد کند. همچنین سایر موادی که احتمالاً در بررسی سیاستها، ممکن است به آنها نیاز شود، با قلم ریزتر، عنوان "ماده تکمیلی"، و زمینه خاکستری رنگ، متمایز شده است.

توصیه می‌شود ابتدا مواد راهبردی هفتگانه مطالعه شود، سپس کل مواد را بررسی فرمائید. در صورتی که فقط شرایط تصویب سطح راهبردی وجود داشته باشد، می‌توان

به این مواد گلوگاهی اکتفا نمود. اما در صورتی که نیاز و شرایط تصویب و اجرای سطح
مبسوط و تکمیلی وجود داشته باشد، سایر مواد نیز قابل استفاده است.

فصل اول - مقدمه

”در هر کاری که مسئولان کشور و مدیران اصلی کشور، امور را به مردم محول کردند، این کار موفق شد، این کار پیشرفت کرد؛ این یک تجربه است، این را باید ما یاد بگیریم؛ مکرر این را ما گفته‌ایم. یک وقت نگاه تنگ‌نظرانه است و مسئول دولتی انحصاراً کار را در دست میگیرد، این کار میماند، متوقف میشود؛ [اما] کار وقتی داده شد به نیروی عظیم و بی‌پایان مردم، با انگیزه‌هایشان، با توانهای مادی و معنویشان، آن وقت کار رشد پیدا میکند، شکوفایی پیدا میکند.“ بیانات مقام معظم رهبری در دیدار اعضای هیأت مدیره جامعه خیرین مدرسه‌ساز (۱۳۹۳/۲/۱۵).

جایگاه ویژه مردم و نقش مشارکت‌های اجتماعی در امر تحول، و از جمله در نظام تربیت، بارها مورد تاکید مقام معظم رهبری بوده است.^۱ در جامعه امروزی که تحولات

^۱- از جمله:

”دولت مردمی فقط به این نیست که بروید میان مردم؛ این کار لازم است اما کافی نیست؛ باید بتوانید مشارکت مردم را در کارهای گوناگون و بخشهای گوناگون جلب کنید. من قبلاً هم یک وقتی گفته‌ام این را، ظاهراً در جمع شما شاید گفتم که بنشینید کیفیت جلب مشارکت مردم را برنامه‌ریزی کنید، تعریف کنید که چه جور میشود مشارکت مردم را جلب کرد؛ چه در زمینه‌های مالی و اقتصادی، چه در زمینه‌های سیاسی، چگونه میشود از فکر مردم و از نظر مردم استفاده کرد در بخشهای مختلف. این برنامه‌ریزی میخواهد.“ بیانات در دیدار رئیس‌جمهور و اعضای هیئت دولت (۱۴۰۱ / ۶ / ۸)

”یک مطلب دیگر اینکه یکی از دوستان گفتند «جلوی خصوصی‌سازی گرفته بشود». البته خطاهای بزرگی در زمینه‌ی خصوصی‌سازی انجام گرفته که این برادرمان هم به این خطاها اشاره کردند و بنده هم مکرراً تذکراتی داده‌ام که بعضی جاها اصلاح شده، بعضی جاها جلوی یک کاری گرفته شده. اشکالاتی در کار خصوصی‌سازی هست منتها اصل خصوصی‌سازی، نیاز مبرم اقتصاد کشور ما است؛ این جزو همان مواردی است که ساختار را -که اول وجود نداشت- تکمیل میکند. ما از اصل مربوطه در قانون اساسی استفاده‌ای کردیم، آن استفاده را اعلام کردیم، همه‌ی صاحب‌نظرها از همه جهت تأیید کردند، گفتند چیز خوبی است و واقعاً هم چیز خوبی است، جلوی را نباید گرفت، منتها در عمل، مثل خیلی از کارهای دیگر اشکالاتی وجود دارد و خطاهایی انجام گرفته، بی‌توجهی‌هایی شده؛ شاید در این زمینه لغزشهایی صورت گرفته، باید جلوی لغزشها را گرفت. آنچه وظیفه‌ی ما است، این است که جلوی لغزشها را بگیریم.

عنصر چهارم این است که بالاخره در هر برهه‌ای راهکارهای عملی لازم است. ... این تمرکز، این ایجاد برنامه‌ی کار، پیدا کردن راهکار، ارائه‌ی راهکار، برنامه‌ریزی، به عهده‌ی چه کسی است؟ این به عهده‌ی جریانهای حلقه‌های میانی است. این، نه به عهده‌ی رهبری است، نه به عهده‌ی دولت است، نه به عهده‌ی دستگاه‌های دیگر است؛ [بلکه] به عهده‌ی مجموعه‌هایی از خود ملت است که خوشبختانه امروز ما این را کم هم نداریم. ما نخبه‌های فکری در زمینه‌های گوناگون مورد نیاز در

در آن بسیار سریع، و پیچیدگی و تنوع در آن روز افزون است، اگر حاکمیت به دنبال تحول بنیادین در تربیت رسمی است، باید جایگاه ویژه‌ای برای مردم و مشارکت‌های اجتماعی مد نظر داشته باشد. تحول و تغییر ماموریت نظام تربیت رسمی در راستای ساخت تمدن جدید اسلامی محقق نمی‌شود، مگر زمانی که از تمام ظرفیت‌های جامعه در تربیت استفاده شود.

تولیت حکمرانی نظام تربیت، امر حاکمیتی است، اما باید زمینه مشارکت فعال و خلاقانه جامعه در امر تربیت به صورت بسیج اجتماعی، نهادسازی، و فعالیت موسسات و مراکز مردم‌نهاد، در زمینه‌های ایجاد زیرساخت‌های فیزیکی و فناورانه و خدمت‌رسانی آنها، ایجاد مراکز آموزشی، تولید محتوی، تربیت نیروی انسانی و تامین منابع، فراهم آید.

به منظور تسریع و تمهید تحول خودسازمانده نهادی تربیت در کشور، و ایجاد انعطاف در برنامه درسی با مشارکت خلاقانه جامعه در نظام تربیت، برای پاسخگویی به نیازهای در حال تحول سریع جامعه، شکل‌گیری تمدن اسلامی جدید، افزایش کیفیت و کارآمدی، و استیفای ماموریت نهاد تربیت در آماده سازی فرزندان این کشور برای ایفای نقش موثر آنها در جامعه و نیز ساختن جامعه پیشرفته آینده، بر اساس سند تحول بنیادین آموزش و پرورش و مبانی آن، و سند ملی برنامه درسی، و نیز سند تحول دولت و سند انتظارات رئیس‌جمهور از آموزش و پرورش، این سیاست‌های فرابخشی، در قالب مواد زیر، برای اجرا به دستگاه‌های مرتبط ابلاغ می‌شود.

میان جوانان، در میان مسئولین خودمان داریم. اینها میتوانند بنشینند برنامه‌ریزی کنند و هدایت کنند. ... کارگروه‌هایی که ممکن است به هم مرتبط هم نباشند اما بایستی هدایت بشوند، باید برنامه‌ریزی بشود. همه‌ی این کارها باید به وسیله‌ی جوانها برنامه‌ریزی بشود. البته همه‌ی اینها هم بایستی با الهام‌گیری از آن جهت‌گیری کلی که عرض کردم [یعنی] در جهت رسیدن به جامعه‌ی اسلامی و تمدن اسلامی است. در همه‌ی این کارها، آن برنامه‌ریزان، آن مراکز برنامه‌ریزی و هدایت - که گفتیم حلقه‌های میانی باید آن را انجام بدهند- باید به آن جهت‌گیری توجه داشته باشند. " بیانات در دیدار جمعی از دانشجویان (۱۳۹۸/۳/۱)

فصل دوم – تعاریف

۱. **جامعه تربیت:** ترکیبی از معلمان، خانواده‌ها، متریبان، مدیران، پژوهشگران، سیاست‌گذاران، تصمیم‌گیران، رسانه‌ها، و نهادهای رسمی و غیر رسمی در حوزه تربیت است، که در فرایند تربیت ایفای نقش کرده، و ذینفع هستند.

۲. **تربیت عمومی:** تعلیمات و اقدامات تربیتی است، که جامعه تربیت، از مرحله پیش از تولد (برای خانواده)، خردسالی، کودکی، نوجوانی و جوانی، تا هنگام ورود به آموزشهای عالی و آموزشهای کار، و نیز طی دوران کار و پس از آن در طول عمر، برای متریبان، به صورت پیوسته یا گسسته، زمینه‌ای یا موردی، به صورت آموزشهای باواسطه (از طریق خانواده و اطرافیان)، غیر مستقیم (از طریق محیط، رسانه‌ها و افزارهای آموزشی غیر مستقیم)، یا مستقیم (به صورت انواع درس‌افزارها یا آموزشهای حضوری)، تمهید، برنامه‌ریزی و اجرا می‌کند، و در نهایت ارتقاء عمومی توانمندیها و شایستگی‌های متریبان، در این آموزشها و اقدامات تربیتی، مورد انتظار است.

۳. **تربیت رسمی:** بخشی از تربیت عمومی است، که با تولید وزارت آموزش و پرورش (وزارت تربیت)، در قالب برنامه‌ها و اقدامات تربیتی طراحی شده، در مدارس و سایر نهادهای مرتبط، انجام شده، و به صورت رسمی مورد ارزشیابی، و اعتبار بخشی (گواهی پایان دوره) قرار می‌گیرد. بخشی از تربیت رسمی، طبق مصوبه شورای عالی آموزش و پرورش، الزامی است، و همه واجدان شرایط ملزم به گذراندن دوره‌ها، و اخذ گواهینامه‌های مربوطه هستند.

۴. **نهاد فعال تربیت:** نهادی است که به صورت متمرکز، سازمان یافته و هدفمند، با برنامه‌درسی مشخص، فرایند تربیت را در حوزه تربیت عمومی یا رسمی، اجرا می‌کند؛ نظیر مدرسه، مجموعه‌های تربیتی (زنجیره مدارس به هم پیوسته و هم روش، و مراکز پشتیبان آنها)، رسانه‌های آموزشی، مراکز فرهنگی - آموزشی، مراکز فعالیت و تربیت (نظیر مراکز کار و آموزش حین کار).

۵. **نهاد رسمی فعال تربیت:** نهاد فعال تربیت دارای مجوز تربیت رسمی است که بخشی از فرایند تربیت رسمی را، زیر نظارت نهادهای متولی، انجام می‌دهد، (نظیر مدارس و آموزشگاههای فنی و حرفه‌ای).

۶. **شایستگی‌ها (اهداف آموزشی)^۱:** دانشها و مهارتهای فراگرفته شده توسط متریبان از یک سو، و فرهنگ و شخصیت شکل گرفته در متریبان از سوی دیگر، که در زندگی واقعی متریبان

۱ - توانمندیهای کسب شده اثربخش. در این متن عبارت "شایستگی" به صورت مترادف با "توانمندی"، به جای عبارت متداول "اهداف آموزشی"، به کار می‌رود. از یک سو عبارت "اهداف آموزشی" با توجه به تاکید آن بر آموزش، و مغفول

نمود عینی و موثر پیدا می کند، و هویت فردی، خانوادگی و اجتماعی او را شکل می دهند و نتیجه تربیت محسوب می شود.

۷. **شایستگی های پایه:** شایستگی ها و توانمندیهای کاربردی است که برای هر یک از متریبان، به جهت ایفای موثر نقش های اجتماعی آنها در جامعه، مورد انتظار است. تحقق این شایستگی ها و توانمندیها در همه متریبان، به عنوان سطح حداقل توانمندیها در تربیت عمومی و رسمی، مورد انتظار است.

۸. **شایستگی های عمومی:** شایستگی ها و توانمندیهای است که تربیت عمومی و رسمی، شرایط فراگیری آن را در طیف وسیع، فراهم می آورد، و متریبان می توانند بر حسب استعدادها و علائق خود، و شرایط و نیازهای محیطی، بخشی از این توانمندیها را در طول بهره مندی از تربیت عمومی و رسمی، کسب کنند.

۹. **برنامه درسی:** طرح [کلان یا خرد، راهبردی یا عملیاتی] یک میدان از شرایط، تدابیر و موقعیتهای یاددهی - یادگیری [در قالب مولفه های چون محتوی، مواد و منابع آموزشی، فضای آموزشی، زمان، گروه بندی، فعالیتهای یاددهی - یادگیری، و سازوکارهای ارزشیابی، مبتنی بر مجموعه ای از رویکردها، روشها، سیاستها و راهبردهای یاددهی - یادگیری] و مجموعه ای از نتایج (اهداف و پیامدهای یادگیری) مورد انتظار یا محتمل است.

۱۰. **برنامه درسی راهبردی:** طرح جهت گیریهای محوری و اصول و قواعد یک میدان یاددهی - یادگیری (چرائی و شرایط اجرا و تحقق)، و طیف نتایج یادگیری است.

۱۱. **برنامه درسی عملیاتی:** طرح سازوکارها، اقدامات و دستورالعملهای یک میدان یاددهی - یادگیری (چگونگی) و طیف نتایج یادگیری است.

۱۲. **برنامه درسی راهبردی ملی:** برنامه درسی راهبردی واحد که بر اساس برنامه درسی ملی، شامل تمام جهت گیریهای محوری و اصولی می شود و کلیه برنامه های درسی عملیاتی مدارس نوآور، مبتنی بر آن تعریف می شوند.

۱۳. **مدرسه نوآور:** مدرسه ای است که طبق ضوابط مصوب، برنامه درسی عملیاتی آن مبتنی بر برنامه درسی راهبردی ملی تعریف و به تصویب رسیده است. (چه مدرسی که خود این برنامه درسی را به صورت خلاقانه طراحی کرده اند، و چه مدرسی که از الگوهای خلاقانه ایجاد شده توسط مدارس دیگر، به صورت بومی شده، استفاده می کنند).

۱۴. **مدرسه خوداتکا:** مدرسه نوآوری است که با پذیرش تمام ضوابط تعیین شده، با دریافت سرانه ویژه شاگردان، تمام مدیریت هزینه های خود را بر عهده می گیرد.

قرار گرفتن پرورش، ذهنها را به سمت تاکید بر آموزش سوق می دهد، و از سوی دیگر با گرایش مسبوق به سابقه به آموزشهای رفتارگرا و یادگیری برنامه ای، این نوع از آموزشها را تداعی می کند.

۱۵. **سرانه ناخالص هر شاگرد:** نسبت بودجه کل آموزش و پرورش رسمی، به تعداد کل شاگردان دوره‌های تربیت رسمی.

۱۶. **سرانه خالص هر شاگرد:** نسبت بودجه صف کل آموزش و پرورش رسمی، به تعداد کل شاگردان دوره‌های تربیت رسمی.

۱۷. **سرانه ویژه هر شاگرد:** مقدار سرانه واقعی است که به هر شاگرد مشخص، اختصاص پیدا می‌کند.

۱۸. **رویکرد استاد و شاگردی:** رویکردی است که در آن، مربی، علاوه بر توانمندیها و وظایف یک معلم، نقش استاد و مدیر تربیتی تعداد محدودی از متریبان را بر عهده داشته، و در رویکرد استاد و شاگردی، متریبان تحت تربیت خود را گام به گام، و به صورت تدریجی در طول مدت زمان، در مسیر رشد، حرکت می‌دهد. مربی برای این کار، شرایط مناسب را برای یادگیری و طی مسیر رشد در شاگردان خود، ایجاد نموده، برنامه‌درسی متناسب را اتخاذ و اجرا کرده، و هر یک از شاگردان خود را به صورت ویژه و منحصر به فرد، متناسب با نیازها، استعدادها، و ویژگیهای خاص خود او، مورد حمایت و تربیت قرار می‌دهد. مربی در نقش یک مرشد، مدت نسبتاً طولانی را با شاگردان همراهی کرده، و به عنوان یک تسهیلگر یادگیری، با تدابیر و راهنمایی‌های مناسب هر شاگرد، او را در طی کردن مسیر رشد، حمایت و تربیت می‌کند.

فصل سوم – نظام تربیت عمومی و رسمی

ماده ۱: برای ایجاد تنوع و خلاقیت در الگوهای برنامه درسی مدارس، و قابلیت سنجش و تطبیق برنامه‌های درسی متنوع با اصول، رویکرد کلان، اهداف، توانمندیها، ارزشها و معیارهای اصلی تعیین شده در سند برنامه درسی ملی، سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی، موظف است ظرف شش ماه از ابلاغ این سیاستها، در تعامل مستمر و وسیع با دبیرخانه شورای عالی آموزش و پرورش، و جامعه تربیت و مدارس پیشرو، برنامه درسی راهبردی ملی (جهت گیری‌های محوری و اصول میدان تربیت، و طیف نتایج یادگیری) و شایستگی های پایه و اهداف آموزشی کلان هر دوره، مقطع و حوزه را مستقل از پایه‌ها و مفاد کتابهای درسی، طراحی و تدوین نموده، و به تصویب شورای عالی آموزش و پرورش برساند.

این برنامه و اهداف مذکور، باید به گونه‌ای تدوین شود که اولاً بر اساس سند برنامه درسی ملی جمهوری اسلامی ایران، و نیز راهنماهای مصوب برنامه درسی حوزه‌های تربیت و یادگیری، باشد؛ ثانیاً بر اساس آن **امکان ارائه الگوهای متنوع برنامه درسی عملیاتی**، شامل روشها، سازوکارها و محتوای آموزشی روزآمد و خلاقانه توسط مدارس و نهادهای فعال تربیت، مبتنی بر نیازهای مختلف و متنوع در حال تحول جامعه جدید و تمدن اسلامی در حال شکل گیری، وجود داشته باشد؛ ثالثاً قابلیت ارزشیابی عملیاتی و تطبیق آن برنامه‌های درسی، با برنامه درسی راهبردی ملی، وجود داشته باشد.

ماده ۲: ستاد تعلیم و تربیت شورای عالی انقلاب فرهنگی، موظف است ظرف شش ماه از ابلاغ این سیاستها، در تعامل با نهادهای ذینفع، **مقررات، و سازوکارهای بررسی، تصویب، نظارت، ارزشیابی و اعتبار بخشی الگوهای متنوع برنامه درسی عملیاتی و اجرای آنها را به صورت توزیع شده، توسط نهادهای اعتبار سنجی و نظارتی حاکمیتی و اجتماعی، طراحی، تصویب و ابلاغ نماید.**

مهلت قانونی بررسی و تصویب برنامه درسی پیشنهادی مدارس، یا احراز شرایط یک مدرسه برای اجرای برنامه درسی عملیاتی تصویب شده مدارس دیگر، در این سازوکار حداکثر ۳ ماه خواهد بود. همچنین وزارت آموزش و پرورش موظف است ظرف یک سال از ابلاغ این سیاستها، تمهیدات لازم برای شکل گیری و فعالیت نهادهای اعتبار سنجی و نظارتی مذکور را فراهم کند.

همچنین وزارت آموزش و پرورش موظف است، به موازات طراحی و توسعه این مقررات و سازوکارها، حمایت‌های لازم را از مدارس پیشرو، به عنوان نمونه‌های عملیاتی، برای مورد کاوی، تعمیق و شفاف‌سازی فرآیندهای قانون گذاری و اجرا، انجام دهد.

ماده تکمیلی ۳-۱: برای ایجاد فضای مشارکت وسیع جامعه در سنجش و ارتقاء کیفیت در حوزه حکمرانی نظام تربیت، ستاد تعلیم و تربیت شورای عالی انقلاب فرهنگی، موظف است، ظرف شش ماه از ابلاغ این سیاستها، مقررات، و سازوکارهای فعالیت **نهادهای مشاوره، نظارت و ارزشیابی و اعتبار بخشی کادر، نهادهای تربیت، و دیده بان نظام تربیت را تعریف، و تصویب کند.**

ماده تکمیلی ۳-۲: وزارت آموزش و پرورش موظف است، با حمایت‌های لازم از ابعاد مختلف، شرایط شکل‌گیری و فعالیت شبکه نهادهای فعال جامعه تربیت را در سه حوزه «تیین»، «اجرا» و «نظارت»، به گونه‌ای ایجاد کند، که توسط این شبکه، یک بسیج و جنبش اجتماعی برای مشارکت وسیع و فعال جامعه در حوزه تربیت انجام شده، و یک حرکت اجتماعی در ارتقاء تربیت کشور، محقق شود. این جنبش از جمله باید در موارد زیر، به صورت متناسب با برنامه‌درسی راهبردی ملی، مشارکت فعال ایجاد نماید:

○ بازطراحی و بازسازی معماری ساختمان مدارس، با مشارکت و جهاد مردمی و نهادهای مدیریت شهری، و الزام مدیریت شهری به نقش‌آفرینی موثر در این عرصه، و کمک بودجه عمرانی این بخش، برای تبدیل مدارس با مساحت محدود و نامناسب، به مدارس مجتمع، وسیع، با معماری اسلامی و بومی، و دارای امکانات و تجهیزات مناسب؛

○ ایجاد محتوای آموزشی مناسب و متنوع، چند رسانه‌ای، با کیفیت مناسب؛
○ ایجاد سکوهای آموزشی مناسب و متنوع، و ارائه خدمات با کیفیت در آنها؛
○ ایجاد نهادهای فعال تربیت توسط مراکز مردمی، و طراحی و تدوین رویکردهای آموزشی متنوع و برنامه‌درسی عملیاتی، مبتنی بر برنامه‌درسی راهبردی این سند، و اجرای مناسب آن.

ماده تکمیلی ۳-۳: ستاد تعلیم و تربیت شورای عالی انقلاب فرهنگی، در تعامل با شورای عالی آموزش و پرورش، باید پیش‌بینی حمایت‌های ویژه از نهادهای فعال تربیت، از جمله نهادهای وابسته به مراکز طراحی و تولید و مراکز کار، برای مشارکت در مدارس نوآور، و نزدیک ساختن برنامه‌های درسی به آموزش‌های کاربردی، و نیز سرمایه‌گذاری در نهادهای تربیتی مولد و موثر، پشتیبانی از جنبش اجتماعی مشارکت در ارتقاء تربیت را صورت دهد.

این حمایت باید از طریق سازوکارهایی نظیر معافیت‌های مالیاتی برای مشارکت در تربیت عمومی و رسمی، تمهید تسهیلات سازوکارهای اجرائی، و تمهید تسهیلات روشها و سازوکارهای برنامه‌درسی، از طریق تعامل موثر با سایر نهادهای قانونگذار و حاکمیتی، انجام شود.

ماده تکمیلی ۳-۴: ستاد تعلیم و تربیت شورای عالی انقلاب فرهنگی موظف است، نقشه جامع تربیت عمومی و رسمی را با مشارکت کلیه نهادهای فعال تربیت، تدوین، تصویب، ابلاغ و به صورت مستمر به روز کند. در این نقشه، باید:

الف- جایگاه تمام نهادهای فعال تربیت در تربیت عمومی و رسمی مشخص شده، و خلاءها برای ایجاد نهادهای جدید، و نیز اصلاح ماموریت نهادهای کنونی، پیش بینی شود.

ب- ترسیمی از ابعاد تربیت عمومی و رسمی انجام شده، و برنامه پوشش این ابعاد توسط نهادها، در دوره‌های مختلف زمانی تبیین شود.

ج- نگاشت و توزیع موقعیت و انواع نهادهای فعال تربیت، بر اساس اصول و اسناد آمایش سرزمین، و ابعاد دیگر توزیع جغرافیائی و خدماتی، تبیین شود.

د- جریان تربیت از محیط خانواده تا مهد کودک، پیش دبستانی، دبستان، دبیرستان، دانشگاه، آموزش ضمن خدمت، و آموزشهای رسانه ای و محیطی، به صورت یکپارچه تمهید شود، به گونه ای که کل جامعه، به صورت فعال و خلاقانه، موضوع تربیت را به عنوان یک امر حیاتی مورد توجه و اولویت قرار داده، و برای تربیت در تمام این دورانها آمادگی و توانمندیهای لازم را کسب کرده، و برنامه متنوع، خودسازمانده، ویژه‌گرا و فعالی را برای آن داشته باشد.

ه - شرایط استفاده از ظرفیتهای حوزه‌های علمیه، مراکز آموزش عالی و مراکز علمی و پژوهشی در نهادهای تربیت و فعالیتهای آنها، پیش بینی شود. بخصوص بکارگیری طلاب، هم در نقش مربیان، و هم در تربیت مربیان و شکل دادن زنجیره استاد و شاگردی، در نقش سرمربی، و نیز ایفای نقش خود حوزه‌های علمیه در راهاندازی نهادهای تربیت، و تعامل فعال بین حوزه علمیه، مراکز آموزش عالی و مراکز علمی و پژوهشی، با نهادهای فعال تربیت در چرخه‌های سه گانه تحول (تبیین، اجرا و نظارت)، مورد تاکید است.

حاکمیت در این میان نقش محوری جریان‌ساز، بسترساز، و جهت دهنده به جریان را ایفا می‌کند، و تعیین جزئیات برنامه‌های تربیتی توسط بخشهای مختلف نهاد و جامعه تربیت، به صورت متنوع، خلاقانه و مقتضی با شرایط، نیازها و امکانات جامعه انجام می‌شود.

ماده تکمیلی ۳-۵: برای تحقق رشد همه جانبه شاگردان، ضروری است که رویکرد استاد و شاگردی در همه مدارس اجرا شود. برای ارتقاء سطح معلمان به رویکرد استاد و شاگردی، لازم است تا معلمان، خود در رویکرد استاد و شاگردی تربیت و رشد یابند. دانشگاه فرهنگیان، و دانشگاه تربیت دبیر شهید رجائی، و وزارت آموزش پرورش

در حوزه مراکز تربیت معلم و آموزش ضمن خدمت، ظرف یک سال از ابلاغ این سیاستها، موظفند سازوکارهای مناسب برای اجرای رویکرد استاد و شاگردی را به نحو مناسب طراحی و اجرا نمایند؛ به صورتی که با تشکیل زنجیره‌ای هرمی از مربیان و سرمربیان، تمام معلمان و مربیان کشور در قالب یک شبکه تربیت مربیان رشد کنند. در این شبکه معلمان هم در طول مدت تحصیل و هم در طول مدت خدمت، در جریان یک آموزش مستمر با هدایت استاد قرار می‌گیرند.

اثر بخشی این رویکرد در سطح آموزش و پرورش، زمانی به اوج خود می‌رسد که مربیان در آموزش عالی نیز با این رویکرد، مسیر یادگیری و تربیت را دنبال کنند. به همین دلیل ضروری است وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، بررسی‌های لازم را انجام داده، و در صورت اثبات اثربخشی، تدابیر لازم در این زمینه را انجام دهد.

ماده تکمیلی ۳-۶: وزارت آموزش و پرورش، موظف است ظرف دو سال، از طریق **بازمهندسی**

نظام سازمانی و اجرایی نظام آموزشی، و چابک سازی آن، و ارتقاء بهره‌وری و کیفیت، و اعتبار سنجی مستمر آن، برای ایفای نقشهای حاکمیتی و اجتماعی در حکمرانی و عملیات تربیت، و در نهایت بهینه‌سازی ساختار ستادی و انتقال نیروهای ستادی به صف، مصرف کل **بودجه ستاد** (اعم از اداری و وزارتی تا شهرستانی، پژوهشی و غیره) خود را به حداکثر ۱۵٪ کل بودجه کاهش دهد.

ماده تکمیلی ۳-۷: برای ارتقاء شان معلمی، و ایجاد انگیزه برای جذب نیروهای توانمندتر در

این زمینه، لازم است تا حتی‌الامکان **تراز معیشتی و رفاهی** آنان نسبت به سایر مشاغل، ارتقاء یابد. سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور، مکلف است بررسی لازم در این زمینه را ظرف شش ماه از تاریخ ابلاغ این سیاستها انجام داده، و پیشنهادات خود را به شورای عالی انقلاب فرهنگی ارائه کند. همچنین لازم است تا جایگاه معلمان در فضای فرهنگی، هنجاری و روانی جامعه نیز ارتقاء یابد. به همین منظور شورای عالی آموزش و پرورش موظف است، ظرف شش ماه از ابلاغ این سیاستها، برنامه ارتقاء فرهنگی در این زمینه را طراحی و به شورای عالی انقلاب فرهنگی ارائه کند.

فصل چهارم - مدارس نو آور و خوداتکا

ماده ۳: **مدارس دولتی و غیر دولتی داوطلب**، می‌توانند در چهارچوب برنامه درسی راهبردی ملی و اهداف و ارزشهای مصوب آن، برنامه درسی عملیاتی (سازوکارها، اقدامات و دستورالعملهای میدان تربیت و نتایج یادگیری) خود را مبتنی بر رویکردها، الگوها و منابع آموزشی و تربیتی متفاوت، پیشنهاد، و پس از تصویب،

اجرا کنند. به منظور تحقق عدالت آموزشی، برنامه های درسی مصوب و منابع مورد استفاده در آن، باید به صورت آزاد منتشر شده تا مدارس دیگر دولتی و غیر دولتی هم در صورت احراز شرایط، بتوانند آن را اجرا کنند. در برنامه درسی مصوب، باید شرایط مدارس مجری و ضوابط اجرای آن به صورت شفاف تبیین شده باشد. مدارس دیگری که دارای شرایط و ضوابط مذکور باشند نیز، می توانند آن برنامه درسی مصوب را اجرا نمایند. در این سیاستها، مدرسی که برنامه درسی عملیاتی مستقل به تصویب رسیده را اجرا می کنند (اعم از مدارس ارائه کننده برنامه درسی مذکور، و مدارس استفاده کننده از آن)، **مدرسه نوآور** نامیده می شوند.

ماده ۴: مدارس نوآور (دولتی یا غیر دولتی) داوطلبانه می توانند با پیوستن به **مدارس خوداتکا** و رعایت تام ضوابط این مدارس، تحت پوشش تامین اعتبار سرانه شاگردان (تاسا)، قرار بگیرند. **”سرانه ویژه هر شاگرد“** توسط دولت به مدرسه خوداتکا، در اجرای اصل سی ام قانون اساسی، پرداخت می شود.

ماده ۵: برای تحقق عدالت آموزشی، **”سرانه ویژه هر شاگرد“**، با نسبت و میزان منطقی و مکفی، بر اساس محاسبه هوشمند و برخط سالانه مولفه های تاثیرگذار، طبق آئین نامه مصوب سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور (با تکیه بر تحلیلهای کمی اقتصادی)، و با توجه به عواملی نظیر **نسبت دهک درآمد خانواده، مناطق محروم، مدارس با محدودیتهای ویژه** (نظیر تعداد شاگردان محدود، دورافتاده، نیاز به تمهیدات خاص)، شاگردان با **نیازمندیهای حمایتی آموزشی خاص** (نظیر شاگردان استثنائی و معلول)، شاگردان با **توانمندیها، استعدادها و شایستگی های ویژه**، و شاگردانی رشته های **نیازمند منابع، امکانات و حمایت های بیشتر** (نظیر فنی و حرفه ای، و هنر)، که میانگین آن مساوی میانگین سرانه خالص شاگردان کل کشور باشد، محاسبه و تعیین می شود.

ماده تکمیلی ۴-۱: تمام انواع مختلف مدارس دولتی و غیر دولتی موجود می توانند به صورت مدارس نوآور محسوب شوند. ضمن آنکه مدارس نوآور خود می توانند انواع مختلفی

از مدارس را با توجه به الگوهای مختلف برنامه درسی عملیاتی خود، نظیر مدرسه کارآفرینی، مدرسه کودکان نیازمند حمایت، مدرسه اکتشافی شناور، مدرسه طراحی و ساخت، مدرسه طبیعت، و مدرسه هنر ایجاد کنند.

ماده تکمیلی ۴-۲: **انتخاب مدرسه** (اعم از دولتی یا غیر دولتی، و نوآور یا غیر نوآور) توسط خانواده آزاد است، و وزارت آموزش و پرورش، نمی‌تواند محدودیتی را برای انتخاب مدرسه، به خانواده و شاگرد الزام نماید؛ مگر در مواردی که شاگرد معیارهای حداقلی شایستگی و توانمندیهای لازم برای ورود به یک مدرسه با ویژگیهای خاص را نداشته باشد.

ماده تکمیلی ۴-۳: **مدارس غیر دولتی خوداتکا، مجاز به گزینش شاگردان نیستند**، و هر شاگردی که شرایط اولیه ضروری تحصیل در آن مقطع و گرایش تحصیلی را داشته باشد، می‌تواند در آن مدرسه تحصیل کند.

ماده تکمیلی ۴-۴: **مدارس غیر دولتی خوداتکا به ازاء خدماتی که ارائه می‌کنند، بر اساس نرخهای مصوب وزارت آموزش و پرورش، می‌توانند علاوه بر مقدار سرانه ویژه هر شاگرد، مبلغ مازاد نرخ خدمات خود را از خانواده شاگرد دریافت کنند؛ اما موظفند، حداقل یک چهارم کل شاگردان خود را از بین خانواده‌هایی که توانمندی پرداخت مبلغ مازاد را ندارند، بدون دریافت مبلغ مازاد ثبت نام نمایند.** نرخ مصوب، متناسب با هزینه‌های متعارف مدرسه، و در نظر گرفتن حجم یک چهارم مذکور، به صورت واقعی تعیین می‌شود، که گردش اقتصادی مدارس را در حد منطقی، امکان پذیر سازد.

ماده تکمیلی ۴-۵: **خدمات و محیط تجملی در مدارس خوداتکا ممنوع است**، و نرخ مصوب مدرسه برای چنین خدماتی، قابل افزایش نیست. شورای عالی آموزش و پرورش، ضوابط سطح خدمات و محیط متعارف مدرسه را تعیین می‌کند.

ماده تکمیلی ۴-۶: **مدارس نوآور دولتی، نظیر مدارس غیر دولتی، در انتخاب کارکنان خود مختارند**، و می‌توانند کارکنان خود را از بین کارکنان رسمی دولتی یا غیر رسمی غیر دولتی که مورد تائید گزینش رسمی باشند، انتخاب کنند.

ماده تکمیلی ۴-۷: **حقوق و مزایا و سربار هزینه‌های حقوق نظیر بیمه و مالیات کارکنان در استخدام رسمی دولتی که در یک مدرسه خوداتکا فعالیت می‌کنند، به نسبت میزان اشتغال در آن مدرسه، از مجموع سرانه ویژه شاگردان که به مدرسه اختصاص یافته، کسر می‌شود.**

ماده تکمیلی ۴-۸: کارکنان در استخدام رسمی دولتی، در صورت موافقت اداره آموزش و پرورش محل خدمت، می‌توانند در مدارس غیر دولتی خوداتکا فعالیت کرده، و حقوق و مزایای آنها از سهم سرانه مدرسه غیر دولتی مذکور کاسته شود.

ماده تکمیلی ۴-۹: تمام هزینه‌های مدارس دولتی خوداتکا (اعم از هزینه کارکنان، تاسیسات، نگهداری عمرانی و غیر آن) از محل سرانه ویژه شاگردان مشغول به تحصیل تامین شده، و بودجه دیگری به مدارس اختصاص نمی‌یابد.

ماده تکمیلی ۴-۱۰: در صورتی که علیرغم نسبت‌های در نظر گرفته شده در محاسبه سرانه ویژه هر شاگرد، مجموع سرانه‌های اختصاص یافته شاگردان مشغول به تحصیل در یک مدرسه دولتی یا غیر دولتی خوداتکا، از هزینه‌های جاری و منطقی آن مدرسه یا نهاد، کمتر باشد، و وجود آن مدرسه یا نهاد نیز طبق نقشه جامع تربیت عمومی و رسمی، ضروری و اجتناب ناپذیر باشد، "بودجه استثنائی تکمیلی" برای آن مدرسه یا نهاد اختصاص داده می‌شود. مقدار بودجه‌های استثنائی تکمیلی، باید در محاسبات سرجمع سرانه خالص و الگوی محاسبات سرانه ویژه شاگردان کل مدارس خوداتکا، در قالب محاسبات هوشمند، لحاظ شود.

ماده تکمیلی ۴-۱۱: هر سال باید تمام محاسبات مربوط به سرانه هر شاگرد، کل بودجه اختصاص یافته به کل شاگردان مدارس خوداتکا در کشور، سرانه محاسبه و پرداخت شده به هر مدرسه در هر سال، بودجه استثنائی تکمیلی، هزینه‌های کل مدارس و ستاد وزارت آموزش و پرورش به تفکیک موضوعی، محاسبات حقوق و دستمزد تمام کارکنان دولتی به تفکیک موضوعی، و تمام مبنای محاسبات، و تحلیلهای مقایسه‌ای بین آنها برای بررسی تحقق عدالت آموزشی، با تمام جزئیات به صورت شفاف و مستمر و به شکل خودکار، در وبگاه وزارت آموزش و پرورش، منتشر شود.

ماده تکمیلی ۴-۱۲: شورای عالی آموزش و پرورش موظف است با بسیج نهادهای اندیشه‌ورز، و مدارس نوآور، حمایت فکری و مشاوره‌ای لازم جهت طراحی برنامه‌درسی عملیاتی متنوع برای طیف‌های مختلفی از اقتضات، نیازها، و شرایط محیطی متفاوت، نهادهای فعال تربیت، را ایجاد کرده، و بخصوص به مدارس که توان محدودتری در طراحی و تدوین برنامه‌درسی دارند، نظیر مدارس روستائی، عشایر و کوچ نشین، مدارس حاشیه شهر و نظایر آن، برای تبدیل شدن به مدارس نوآور، ارائه کنند.

ماده تکمیلی ۴-۱۳: الگوی کنونی برنامه‌درسی رسمی، کماکان با تولیت وزارت آموزش و پرورش، به عنوان یک برنامه‌درسی مرجع، با تمام پشتیبانی‌های آن (نظیر چاپ

کتابهای درسی، تولید بسته‌های آموزشی و ...) حفظ و به صورت مستمر به روز شده، و مدارس نوآور نیز می‌توانند بخشهایی از آن را در الگوی برنامه‌درسی خود اتخاذ کنند.

فصل پنجم – الگوهای شایستگی و کنکور

ماده ۶: برای ارتقاء و ترویج سازوکارهای ارزشیابی و ارتقاء نیروی انسانی، به رویکرد ارتقاء شایستگی کیفیت محور، و ارزشیابی مستمر، و ایجاد تدریجی فرهنگ بکارگیری الگوهای شایستگی، با رویکردی نهادی و خودسازمانده، هم در حوزه‌های حاکمیتی و هم در حوزه‌های نهادی و اجتماعی، هر یک از مدارس نوآور، و دانشگاه‌ها، موظفند ظرف یک سال از ابلاغ این سیاستها، یک الگوی ارزشیابی و ارتقاء شایستگی نیروی انسانی را انتخاب، بومی‌سازی، یا طراحی کرده، و در خود مدرسه، دانشگاه و در مورد شاگردان، دانشجویان و کارکنان خود اجرا کنند.

حداکثر پس از سه سال از ابلاغ این سیاستها، نتایج الگوی ارزشیابی و ارتقاء شایستگی، باید به مدارک تحصیلی صادر شده آن مدارس و دانشگاه‌ها به صورت باز منتقل شده، به نحوی که مدارک تحصیلی فارغ‌التحصیلان، علاوه بر ارزشیابی قبلی متداول، ابعاد شایستگی‌ها و توانمندیهای آنها را از منظرهای مختلف، منعکس کند، تا بتدریج فهم و توجه این ابعاد شایستگی، به سطح جامعه منتقل شود.

سازمان امور اداری و استخدامی کشور و وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی، موظفند سازوکارهای مناسب برای ارتقاء فرهنگ درک ابعاد شایستگی‌های فارغ‌التحصیلان، و استفاده از نتایج این ارزشیابی‌ها در محیط کار را ایجاد و اجرا کنند. علاوه بر آن، دانشگاه‌ها موظفند با ترغیب، حمایت و ایجاد نهادهای اجتماعی و موسسات مشاوره، خدمات مشاوره در مورد الگوی مورد استفاده خود را در سطح جامعه نیز ارائه کند.

ماده ۷: برای تمهید اثر بخشی خلاقیت ناشی از تنوع رویکرد آموزشی، لازم است تا شیوه جذب دانشجو در آموزش عالی از شکل **کنکور سراسری**، به **رویکرد متنوع و مبتنی بر نیاز دانشکده‌ها** سوق پیدا کند. به همین دلیل لازم است تا با طبق اولویتها و برنامه تنظیمی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، هر دانشکده یا گروه آموزشی در دانشکده، بر اساس خصوصیات رشته‌های تحصیلی خود، و نیازمندیها و خصوصیات آن رشته‌ها، و نیز رویکرد آموزشی دوره‌های آموزشی رشته‌های تحصیلی، معیارها و سازوکارهای گزینش دانشجوی خود را تعریف و اجرا نمایند؛ و در یک فرایند تدریجی، از شمول جذب یکپارچه در کنکور سراسری خارج شوند. دانشکده‌ها و گروههای آموزشی با رویکردها و فضای اجتماعی و تخصصی نزدیک به هم، می‌توانند با تشکیل یک زنجیره مشترک، روال گزینش مشترکی را تعریف و اجرا نمایند.

ماده تکمیلی ۵-۱: ستاد تعلیم و تربیت شورای عالی انقلاب فرهنگی، ظرف یک سال از ابلاغ این سیاستها، موظف است معیارها و سازوکارهای ارائه **گواهینامه‌های هوشمند شایستگی‌ها** را مبتنی بر رویکرد **مدرک باز** و مبتنی بر سازوکار تبیین توانمندیها و شایستگیها و تجارب، تدوین، ابلاغ، و پس از آن نیز به صورت مستمر به روز کند. مبتنی بر این رویکرد، در هر گونه گواهینامه و مدرک تحصیلی در آموزش عمومی و رسمی، به جای ارائه نمره کلی به صورت کمی یا کیفی، برای نشان دادن وضعیت شاگرد در گواهینامه، مولفه‌های اصلی شایستگی او به تفکیک، به اجمال یا تفصیل، در طول تمام مدت تحصیل و پس از آن در طول مدت خدمت، بیان می‌شود. وزارت آموزش و پرورش، با همکاری وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، سازمان امور اداری و استخدامی کشور، سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور، موظف است ظرف دو سال از ابلاغ این سیاستها، بسترها و سازوکارهای گواهینامه‌های هوشمند را تمهید و اجرا نماید.

الحمد لله رب العالمین

انتهای سند